

گزارش

تبعیض در اعلام تعطیلات آلودگی هوا

همدلی | ستاره لطفی - دبروز ۱۳ تیر به خاطر آلودگی هوا و هجوم گردوغبار، در تهران و برخی شهرهای دیگر مانند کرج از سسوی دولت تعطیلی اعلام شد. باوجوداینکه تمامی کارگران و کارمندان به‌عنوان انسان به‌طور یکسان در معرض عوارض آلودگی هوا قرار دارند، اما این تعطیلی فقط شامل ادارات دولتی، مدارس و دانشگاه‌ها بود و مثل همیشه کارگران و کارمندان بخش خصوصی سهمی از این تعطیلات نداشتند و تعطیلی آن‌ها منوط به تصمیم کارفرما شد. این در حالی است که در زمان آلودگی هوا، کارگران به دلیل حضور در محیط‌های آلوده صنعتی حتی بیش از کارکنان پشت‌میزنشین دولت و همچنین سایر شهروندان در معرض آلودگی هوا قرار می‌گیرد و سلامتی آن‌ها تهدید می‌شود. ناگفته پیداست در شرایط اضطراری آلودگی هوا، وقوع سیل و زلزله مصوبات دولت نباید محدود به یک بخش دولتی یا غیردولتی شود و همه را باید شامل شود، چراکه طبق قانون اساسی دولت وظیفه تأمین حقوق اساسی همه شهروندان را بر عهده دارد، موضوع آلودگی هوا نیز با سلامتی شهروندان در ارتباط است و همچنین یکی از حقوق اساسی آن‌هاست. بنابراین مصوبات دولت در این زمینه باید کل جامعه را شامل شود و از کل جامعه محافظه کند نه یک بخش کوچک از جامعه، بدیهی است در این‌هوا ی آلوده، تعطیلی فقط دولتی‌ها به‌جای اعلام تعطیلات عمومی، مصداق بارز تبعیض در جامعه است.

قانون کار در مورد فعالیت کارگران در روزهای آلوده سکوت کرده است

این تبعیض آشکار در حالی صورت می‌گیرد که قانون کار نیز در این زمینه سکوت کرده است و در قانون کار هیچ محدودیتی برای فعالیت کارگران در روزهای آلوده هوا وجود ندارد و فعالیت کارگانه‌های مشمول قانون کار در روزهای آلوده به توافق کارگران با کارفرمای واحد تولیدی سپرده‌شده است. لازم به توضیح است که در قانون کار، شرایط فعالیت کارگران در روزهای آلوده و مشاغل سخت و زیان‌آور مشخص شده است، مطابق قانون کار، کار کارگر در محیط‌های آلوده و سخت و زیان‌آور با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی مواجه است. اما بااین‌حال، شرایط قانونی در مورد کار کارگران در مورد روزهای آلودگی هوا نامعلوم است و همین باعث شده است که برخی از کارفرمایای شرکت‌های خصوصی بدون توجه به سلامت کارگران و کارمندان خود و بی‌اعتنا به وضعیت آلودگی شدید هوا و خطرات ناشی از آن به فعالیت واحد تولیدی یا کارگاهی خود ادامه دهند. با توجه به سکوتی که در قانون کار راجع به شرایط پیش‌بینی‌نشده ناشی مانند آلودگی هوا وجود دارد به نظر می‌رسد لازم است تا با بازنگری این قانون به این موضوعات توجه شود تا کارگران به دلیل نبود حمایت‌های قانونی و رفتارهای سلیقه‌ای منضّر نشوند و همایشان به خطر نیفتند.

همیشه تعطیلی برای پرسنل دولت است و کارگران بی‌نصیب‌اند

به کار گرفتن کارگران در روزهای اضطرار و آلوده، درحالی‌که دولت کارکنان پشت میز را تعطیل می‌کند، همواره به این‌دلیل است. واکنش نشان داده‌اند. جدیدترین واکنش از این‌دست، واکنش حسین حبیبی، عضو هیات مدیره کانو عالی شوراهای اسلامی کار کشور است. وی روز گذشته در مورد فعالیت کارگران در هوای آلوده دبروز و عدم اعلام تعطیلی عمومی از سسوی دولت، به اینا گفت: بازم شاهد تبعیض هستیم؛ چرا کارمندان دولت که عموماً در فضای بسته و پشت میز کار می‌کنند، تعطیل شده‌اند ولی کارگران بخش خصوصی که بیشتر در فضای باز کار می‌کنند و کارشان هواری و پدی است، مشمول تعطیلی نشده‌اند، کارکنان دولت مگر ریه و خون و اعصاب و روانشان از کارگران رنگین‌تر است یا از فضا آمده‌اند که در آلودگی هوا و کرونا تعطیل می‌شوند؛ همیشه تعطیلی برای پرسنل دولت است و کارگران بی‌نصیب‌اند به گفته وی. این تبعیض آشکار در تمام دولتها بوده و امروز هم تادوم دارد، دولت به‌جای اینکه در تهران «تعطیل عمومی» اعلام کند و برای همه شافان امکان در خانه ماندن و دوری از هوای آلوده را فراهم کند، فقط کارمندان را تعطیل کرده است. این فعال کارگری اضافه کرد: آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حفاظت فنی، کار کردن در شرایط پرخطر را ممنوع کرده‌اند، اما یک کارگر تهرانی که قرارداد موقت است و دولت از او حمایت نکرده، چطور می‌تواند از کار کردن در این هوای آلوده و پرخطر امتناع کند یا در خانه بماند؟ حبیبی تأکید می‌کند، مگر کارگران قلب و ریه و شش ندارند یا دولت فکر می‌کند باید جان و سلامتی‌شان را در راه منافع کارفرمایان فدا کنند؟ اگر مشکل یا بیماری جسمی و روحی رازی کارگران در این هوای آلوده و میکروبی و بستر آید، مقصر کیست و چه کسی خسارت بی‌شمار آن را تقبل می‌کند؟ بسیاری از کارگران ساختمانی آن‌هایی که در فضای باز کار می‌کنند، حتی یک بیمه سلاسه ندارند که اگر مرض شدند، بتوانند درمان بگیرند یا فرمات ایمل بگیرند!

تأثیر آلودگی هوا بر مرگ‌ومیر

در حالی کارگران و کارمندان بخش خصوصی از خوان تعطیلات دولت بی‌نصیب شده و فعالیت آنان در روزهای آلوده بستگی به تصمیم کارفرما دارد که طبق گزارش وزارت بهداشت، آلودگی هوا سالانه جان حدود ۳۷۰۰ نفر را در تهران می‌گیرد، همچنین میزان مرگ‌ومیر ناشی از آلودگی هوا در کل کشور سالانه به ۱۲هزار نفر می‌رسد که تقریباً با آمار مربوط به تلفات جاداهای در کشور برابر است. چند ماه پیش عباس شاهشونی رئیس گروه سلامت‌هاو و تغییر اقلیم وزارت بهداشت به یکی از رسانه‌ها گفته بود که در تهران هرچند میانگین در سال ۱۳۹۹ تعداد ۲۷۵۱آمرگ منتسب به‌مواچهه با ذرات معلق رزخانه است و همه اهالی شهر تهران هم تحت تأثیر آلودگی هوا بوده‌اند.

سازمان بهداشت جهانی همچنین در سال ۲۰۱۹ برآورد کرد که آلودگی هوای داخلی و خارج از خانه در مناطق شهری و روستایی منجر به مرگ ۹میلیون نفر در جهان شده که بیش از هفت میلیون آن مرگ زودرس بوده است. به‌طور متوسط حدود ۵۴درصد از مرگ‌های زودرس ناشی از آلودگی هوا در مناطق شهری و روستایی است. و سنسکته مغزی عامل هفت‌درصد مرگ‌ومیر ناشی از سرطان ریه و ۱۹درصد از بیماری اسنادی مزمن ریه است.

همدلی | وحید میرزایی - چه اسم

بی‌مسمايي شد «سايه خوش» نشسته بر تلي از آوار که تا همين دو سه روز پيش روستا خوانده می‌شد. حالا ديگر نه «سايه» ای دارد و نه «خوش» است. از روستای ۴۰۰ خانواری «سايه خوش» که کانون اصلی این زلزله بوده فروربخته‌اند. وقتی برای تهیه گزارش به این روستا مراجعه کردیم، خانواده‌ها که فقط آب در باسپاشان داشتند، آن را برای پذیرایی از ما پیشکش می‌کردند. آبی که مشخص است فعلاً از کمک‌های مردمی و دولتی به دستشان رسیده است. بااین‌همه به‌شدت خواهان آن بوده‌اند که مشکلات بزرگشان که در این چند روز پس از زلزله زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار داده و البته زیوررو کرده، برای مردم و مسئولان انعکاس داده شود.

زلزله فقط خاک و آوار به‌جا گذاشت

وقتی به روستای سسايه خوش هرزگان می‌رسیم آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد هيچ است. تقريباً می‌توان گفت از این روستای زلزله‌زده جز خاک و آوار هيچ چيز باقی نمانده است؛ این روستا بیشتر ۴۰۰خانوار ندارد که جمعيت تخمینی آن حدود دو هزار نفر است. ۹۰درصد منازل مسکونی تخریب‌شده‌اند و بعضی از مردم زلزله‌زده، در گرمای این تابستان داغ در میان آوار خانه‌هایشان در جستجوی وسایلی‌اند که شاید سالم مانده باشد. شدت گرما آن‌قدر بالاست که بسیاری از خانواده‌ها با فرزندان کوچکشان در چادرها مانده‌اند. آن‌ها که تا همين چند روز پيش زندگی خود را داشتند در طول یک‌شب بسا لِرزه‌های زمین‌خانه و کاشانه‌شان را از دست‌داده‌اند و حالا خواسته‌شان داشتن یک سرپناه است.

اهالی روستای سایه خوش مردمی محروم و اهل سنت‌اند. اکثرشان نه توان اجاره کردن جای دیگری را دارند و نه قوم‌وخویشی بیرون از روستا دارند که به آن‌ها پناه ببرند؛ در چادرهايشان فقط یک آب دارند اما وقتی می‌بینند که هنگام تصویربرداری از روستا گرما طاقک ما را سست می‌کند همان را هم پیشکش می‌کنند.

روایت از زیر آوار

عمران از اهالی روستاست که مادر ۶۵ساله‌اش را در زمان زلزله از دست‌داده است. عمران می‌گوید: «ما هشت نفر در این خانه زندگی می‌کردیم، برحسب اتفاق آن شب فقط مادر و خواهرم در خانه بودند. خواهرم در زلزله بیدار بود و توانست از زلزله فرار کند. شرایط روحی خانواده اصلاً خوب نیست.» مرد دیگری که خود یک ساعت زیر آوار

جامعه

گزارش خبرنگار اعزامی «همدلی» از وضعیت زندگی اهالی روستای «سایه خوش» هرزگان پس از زلزله ویرانگر

روستایی که نه «خوش» است، نه «سایه» دارد



زلزله مانده بود و حالا با کمی مصدومیت بیرون آمده، تعریف می‌کند: «با همسرم در خانه بودم که همان اولین زلزله‌خانه‌مان را خراب کرد. من نتوانستم از خانه خارج شوم و تنها کاری که کردم این بود که نشستم و سرم را بین دست‌هایم قرار داد اما آوار روی سرم ریخت و یک ساعت زیر آوار بودم. آن موقع پسرم را که در همسایگی ما زندگی می‌کند صدا می‌زد، همسرم را صدا می‌زدم و دعا می‌کردم که مرا پیدا کنند. تا اینکه در نهایت پسرم صدام را می‌شوند و نجات پیدا می‌کم.»

از کوبت آمدند،حالا باید در چادر بمانند

مرد دیگری را پیدا می‌کنیم که در زمان زلزله بعد از چند سالال میزبان خانواده دخترش بوده است. او می‌گوید: «داماد و دخترم بعد پنج سال از کوبت آمده بودند و مهمان ما بودند. دو ماه مرخصی گرفته بودند که پیش ما باشند. نوه‌هایم در کنار من خواب بودند و دختر و دامادم در اتاق خواب بودند. اگر چه همه خود را نجات دادند اما برادرم که در همسایگی من زندگی می‌کرد، فوت‌شده است. همین‌طور به خاطر خانواده دخترم که بعد پنج سال به خانه مسا آمده بود اما حالا باید در چادر بماند، ناراحتیم.» همچنین با زنی برخورد کردیم که ۱۲سال با همسرش در

خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کرد. آن‌ها بعدازاین سال‌ها خانه جدیدی تهیه کرده بودند اما زلزله هر دو یی آن‌ها را تخریب کرد. با آنکه به این زن و شوهر آسیبی نرسیده، اما همه وسایل نویی که برای خانه جدید تهیه کرده بودند در زلزله از بین رفته است. با فرد دیگری برخورد کردیم که در حال کنار زدن آوارها برای نصب چادر بود. او می‌گوید، خانواده ۱۵نفره اش حالا در چادر زندگی می‌کند.

دو خانواده شامل او، برادر و پدر و مادرش باهم زندگی می‌کردند. او و برادرش که هر کدام سه چهار بچه کوچک دارند به خاطر ناتوانی در اجاره و پیدا کردن محل جدیدی برای زندگی مجبورند در چادر زندگی کنند. به‌طورکلی اکثریت مردم از امدادرسانی هلال‌احمر راضی‌اند و می‌گویند به‌اندازه کافی آذوقه دارند. نیروهای جهادی و سپاه امام سجاد استان هم در روستا حضور دارند. اما از کمک‌های مردمی رضایت بیشتری از کمک‌های دولتی رضایت دارند. در کل روستایی با ۴۰۰خانوار، دو سه دستگاه بیل مکانیکی بیشتر دیده نمی‌شود.

گرما طاقت‌فرساست

مشکل اساسی مردم گرما و هوای شرعی بی‌نهایت طاقت فرساست که تحمل آن در چادر ممکن نیست. محلی‌ها می‌گویند شدت گرما به مختل شدن امدادرسانی

همدلی - وحید میرزایی



هم منجر شده است. از حدود ساعت ۱۰ و ۱۱صبح تا پنج عصر عملاً امکان فعالیت نیست. حتی در روزهای گذشته زمزمه‌هایی شنیده می‌شد که فردی در سایه خوش به خاطر استرس زیاد و گرم‌زدگی شدید فوت کرده است. آواربرداری‌ها به‌سرعت انجام نمی‌شود. همچنین برق روستا که در اثر زلزله قطع‌شده بود تازه یکشنبه‌شب وصل شده است. چادرهای آب هال که رئیس جمعیت هلال‌احمر وعده آن را داده بود هنوز به منطقه نرسیده است.

این چادرها به‌اندازه ۲۵۰نفر گنجایش اسکان دارند و به سیستم تهویه و خنک‌کننده مجهزند. برخی از مردم برای خنک شدن چاره‌ای جز گذاشتن کولر در چادرها معمولی ندارند که البته همین موضوع می‌تواند خطراتی مثل برق‌گرفتگی یا آتش‌سوزی به دنبال داشته است. زلزله هرزگان تا کنون باعث مرگ پنج نفر و مصدومیت ۴۴نفر شده بود. البته شنیده‌هایی حاکی از آن بود که یکی از مصدومان که در بیمارستانی در بندر خمیر بستری بود در گذشته است، اما هیچ منبعی آن را تأیید نکرده است. در هرزگان روستاهای دیگری نیز آسیب‌دیده‌اند اما بیشترین آسیب به روستای سایه خوش واردشده است. میانگین تخریب در سایر روستاهای بین ۵۰ تا ۷۰درصد بوده است.

کرونا برمی‌گردد این بار با همدستی سوءتغذیه

انفرادی و جمعی جهت حضور در مراسم دعای عرفه در کنار عتبات عالیات تدارک دیده‌شده است. هرچند داشتن کارت واکسن ضروری شمرده‌شده است، خبری از قرنطینه و کنترل مرزها و انجام بیماری‌یابی فعال و رعایت پروتکل‌های بهداشتی مثل استفاده از ماسک نیست. مخلص کلام این‌که؛ نمی‌توان بزعزم تضعیف ویروس و کاهش بیماری‌زایی آن، از عوارض طولانی‌مدت ویروس بر بدن بهبودیافتگان کرونا غافل شد. چه‌بسا اگر ویروس کرونا یک ویروس عادی مثل سرماخوردگی و آنفلوآنزا می‌بود، کشور چین برای حفظ جان مردم و سرمایه اجتماعی، اقدام به قرنطینه سفت‌وسخت در حد حکومت‌نظامی نمی‌کرد؛ دولت ایران نباید فراموش کند که شرایط کشور از نظر اقتصادی و معیشتی در تنگناست و سوءتغذیه در کشور می‌رود که غالب شود و درنتیجه تضعیف سیستم ایمنی بدن مردم حتمی است. بنابراین اگر بنا این است که همچنان به دستاوردسازی کاذب در خصوص بیماری پرداخت، چه‌بتر که برای نجات‌انسان‌ها در کشور اقدام به تأمین واکسن مختص اومیکرون از کشورهای سازنده کرد و نیز با عنایت به در دسترس بودن داروهای درمان کرونا از طریق شرکت‌های فایزر و آسترانزکا، تدابیری اندیشیده‌شود که به‌منظور کاهش موارد شدید بیماری کروناویروس، دارو به کشور وارد نشود و مصرانه از جامعه پزشکی و کادر درمان خواسته شود تا نسخه‌های بیشتری از داروی ضدویروسی کووید۱۹ را تجویز کنند. حال اگر دولت، بی‌توجه به این توصیه‌های آوار‌آور باشد، بهتر است جهت اینکه بیشتر از این جامعه در خصوص بیماری، گمراه نشود و نظاره‌گر جلسات بی‌خاصیت ستاد به‌اصطلاح ملی کرونا نباشد و اعتبارات مالی در این نهاد دولتی نیز بیش از سیاست‌بازی و تا‌کارآمدی اشباع‌شده در مجموعه دولت رنج می‌برده است که نتیجه آن نیز تعویق واکسیناسیون و ابتلا و مرگ گسترده هم‌وطنان بوده است. به نظر می‌رسد اگر ستاد کرونا معتقد به امن‌وامان بودن کشور در مورد بیماری است و به نظرات تخصصی عتبات از طریق مرزهای زمینی فرامه‌شده است و کنترل و مدیریت بیماری در وزارت بهداشت و درمان، سهل و آسان خواهد بود.

خبر

بیشترین تصادفات شهری پایتخت کجا اتفاق می‌افتد؟

مهر - کارشناس تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: ۴۳درصد از آمار متوفیان حوادث و تصادفات شهر تهران در بزرگراه‌های تهران اتفاق می‌افتد. سرهنگ رابعه جوانبخت کارشناس تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: ۴۳درصد از آمار متوفیان حوادث و تصادفات شهر تهران در بزرگراه‌های تهران اتفاق می‌افتد و درواقع این حوادث در جایی اتفاق می‌افتد که ما احتمال حضور عابران پیاده را نمی‌دهیم. جوانبخت ادامه داد: عابران پیاده در بزرگراه‌ها نباید تردد کنند، ولی متأسفانه نه‌تنها تردد دارند، بلکه تردد آن‌ها غیر ایمن است و منجر به وقوع ۴۳درصد از تصادفات می‌شود. او گفت: در بحث تصادفات، ما دو قشر را در دو طیف وسیع داریم که اول کودکان هستند و خردسالان دیگر، افراد میان‌سال به خاطر شرایط جسمی و ویژگی‌هایی که دارند. کارشناس تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ افزود: برخی افراد مسن تعلل در حرکت دارند و به‌موقع تصمیم نمی‌گیرند و گاهی مواقع ملاحظه کردید که یک فرد سالمند یک مسیری را طی می‌کند و ناگهان یک گام به عقب برمی‌دارد و این تعلل در تصمیم‌گیری باعث بروز حوادث رانندگی می‌شود. وی ادامه داد: برخی افراد سالمند برای خرید صبح‌های زود از منزل خارج می‌شوند که در آن موقع نور و روشنایی خوب نیست و بحث مهم در تصادفات عابران پیاده، خوب دیده نشدن این افراد توسط رانندگان است. این کارشناس تصادفات گفت: رانندگان نباید فکر کنند که باید آن‌ها دیده شوند، بلکه باید خوب ببینند و افراد و عابران پیاده را به‌خوبی در حین رانندگی شناسایی کنند تا با آن‌ها برخوردی صورت نگیرد. سرهنگ جوانبخت ادامه داد: وقتی تصادفی روی می‌دهد، راننده می‌گوید که عابر پیاده را ندیده است و وقتی که با وی برخورد کرده، متوجه حضور او شده و این در حالی است که آن عابر پیاده فکر می‌کند که دیده می‌شود. ولی وقتی در جایگاه راننده قرار می‌گیرد و در بحث نورها و انعکاس‌هایی که وجود دارد، قسار می‌گیرید، تازه متوجه موقعیت راننده می‌شوید. عابر پیاده باید در نقطه‌ای قرار بگیرد که توسط راننده به‌صورت کامل رؤیت شود. این موضوع می‌تواند تصادفات را به‌شدت کاهش دهد. وی افزود: ترده‌های عرضی ناایمن، یکی از عوامل بروز تصادفات عابران پیاده است. این در حالی است که همه امکانات در آن محل برای تردد عابر نصب و اجراشده است؛ مثلاً عابران باید تردد خود را از روی پل‌های عابر پیاده انجام دهند و یکی از صحنه‌های دردناک را که ما شاهد هستیم، همین است که پل مکانیزه و همه امکانات آماده تردد عابر از پل وجود دارد، اما برخی عابران از روی گاردریل‌ها می‌پرند و تردد از عرض بزرگراه را انتخاب می‌کنند. سرهنگ جوانبخت گفت: همکاران بنسده وقتی در صحنه تصادف حاضر می‌شوند و علت‌های وقوع تصادف را بررسی می‌کنند و یک سری زنجیره‌های علل را به یکدیگر وصل می‌کنند، در برخی موارد به این نتیجه می‌رسند که عابر پیاده در فاصله ۱۵۰ تا ۲۵۰متر از یک پل که برای تردد وی در نظر گرفته‌شده، تصادف کرده و تردد عرضی را انتخاب کرده و در واقع عابر پیاده مقصر است.

تمدید ارسال آثار پنجمین مسابقه

بین‌المللی دانش آموزی نور تا ۲۵مرداد
به گزارش دبیر خانه پنجمین مسابقه دانش آموزی نور الهام یآوری، رئیس سازمان پرورش استعدادهای درخشان روز شنبه در نشست خبری پنجمین دوره مسابقه دانش‌آموزی نور، اعلام‌پادشت اوزیرحان بیرونی، گفت: سمیاد به‌عنوان نماینده وزارت آموزش‌پرورش با مسابقه دانش‌آموزی نور همکاری می‌کند و ما متولی پرورش استعداد فراگیر دانش آموزان هستیم. او با اشاره به انجام چهار اقدام مهم در این زمینه بیان کرد: شناسایی استعداد‌های در حد هدایت دانش آموزان، هویت‌سازی و ایجاد فضای مناسب برای شبکه‌سازی از جمله اقداماتی است که در حال انجام است و ما کمک می‌کنیم تا ایده‌های این دانش آموزان را به مرحله عمل برسانیم. در ادامه این نشست سوزان علی عمرانی مدیر اجرایی بنیاد علم و فناوری مصطفی (ص) گفت: به دنبال این هستیم که بازیگران عرصه علم و فناوری با یکدیگر در جهان اسلام هم‌صدا شوند. حازم فریبور دبیر مسابقه دانش‌آموزی نور نیز در این نشست خبری با بیان اینکه مسابقه نور با ساخت فیلم یک‌دقیقه‌ای محفلی پویا از رقابت علمی ایجاد می‌کند افزود: مسابقه دانش‌آموزی نور در ادوار گذشته با مشارکت نزدیک به ۱۷هزار دانش‌آموز از ۱۱کشور شامل مراکش، الجزایر، مالزی، هند، ترکیه، عراق، تانزانیا، تونس، پاکستان، افغانستان و ایران در قالب ساخت فیلم‌های کوتاه از آزمایش‌های علمی برگزارشده است. فریبور اضافه کرد: در این دوره ۱۷۷۷نفر از ۲۸استان کشور در این دوره به ما رسیده است همچنین مهلت ارسال آثار تا ۳۱تیرماه بود که با توجه به مجازی بودن آموزش و اطلاع محدود دانش آموزان تا ۲۵مرداد تمدید شد. دبیر پنجمین مسابقه بین‌المللی دانش‌آموزی نور، بیان داشت: این دوره از مسابقه شامل ساخت فیلم‌های ۶۰ثانیه‌ای و بسا موضوع عمومی «بینایی و خطاهای بینایی» و موضوع ویژه «ساخت مدل‌های واقعی برای مفاهیم ریاضی» است که در موضوع عمومی به یک‌صد اثر شایسته و سه اثر منتخب بخش ویژه هدایای نفیسی تعلق می‌گیرد و تقدیر از پژوهشسراها و مدارس با مشارکت برتر صورت خواهد پذیرفت.